



ملازمت انعکاس رخدادهای عصر رسالت با قومی بودن قرآن شبهه‌ای بی‌اساس است

شبهه انعکاس باورهای اعراب جاهلی در قرآن و در پی آن شبهه ملازمت انعکاس رخدادهای عصر رسالت با قومی بودن قرآن کاملاً بی‌اساس است و آموزه‌های راستین قرآن، ربطی به عربی بودن پیامبر(ص) و سرزمین نزول وحی ندارد...

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد اظهار کرد: شبهه انعکاس باورهای اعراب جاهلی در قرآن و در پی آن شبهه ملازمت انعکاس رخدادهای عصر رسالت با قومی بودن قرآن کاملاً بی‌اساس است و آموزه‌های راستین قرآن، ربطی به عربی بودن پیامبر(ص) و سرزمین نزول وحی ندارد.

حجت‌الاسلام علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این مطلب اظهار کرد: برخی از هرمنوتیک‌های غربی فاصله زمانی بین عصر مفسر با زمان پیدایش متن را مانع جدی برای دستیابی به مراد مؤلف دانسته و در نتیجه آن، با توجه به این فاصله زمانی، فهم عینی متن (برای نمونه قرآن) را ناممکن دانسته و به نسبی‌گرایی در فهم متن و خداحافظی متن با مؤلف یا پدیدآورنده خود معتقد شده‌اند.

وی افزود: برخی از نواندیشان دینی متأثر از اندیشه‌های هرمنوتیکی غرب به اشتباه مدعی شده‌اند که ما نمی‌توانیم معانی و مفاهیم متن را از یک دوره تاریخی خاص به دوره‌های دیگر تسری دهیم و همین امر منشأ طرح بحث تاریخ‌مندی قرآن شده است. بر مبنای این تفکر که از سوی برخی از نواندیشان دینی مطرح شده، پدیده‌های چون قصاص، دیات، حجاب، جهاد و... مربوط به عصر نزول قرآن است و در عصر حاضر به دلیل تغییر شرایط می‌توان این احکام را به عنوان احکام عرضی دین کنار نهاد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران با تأکید بر این‌که قرآن کلامی بشری نیست و نمی‌تواند بازیافت فرهنگ زمانه باشد، اظهار کرد: برخی از نواندیشان، شماری از آموزه‌های قرآن را بازتاب فرهنگ زمانه دانسته و مدعی شده‌اند که چون پیامبر(ص) مربوط به حجاز بوده، از همین رو برخی از افکار و اندیشه‌های جامعه عرب آن روزگار (از قبیل تقویم قمری، توصیف زنان بهشتی به سیه‌چشمان نشسته در خیام، نام بردن از حیوانی چون شتر، زنده به گور کردن دختران،...) در قرآن راه یافته و به اصطلاح قرآن رنگ و بوی عربی به خود گرفته است.

این محقق و پژوهشگر که رویکرد قرآن در برخورد با رخدادهای عصر رسالت را در اثر خود با نام ««قرآن گفتار الهی» بررسی کرده است، اظهار کرد: شبهه انعکاس باورهای اعراب جاهلی در قرآن و در پی آن شبهه ملازمت انعکاس رخدادهای عصر رسالت با قومی بودن قرآن کاملاً بی‌اساس است و آموزه‌های راستین قرآن، ربطی به عربی بودن پیامبر(ص) و سرزمین نزول وحی ندارد.

مؤلف کتاب ««رابطه قرآن و سنت» در توضیح یکی از موارد ادعایی کسانی که برخی از آموزه‌های قرآن را بازتاب فرهنگ زمانه دانسته‌اند، تصریح کرد: ««توصیف زنان بهشتی به سیه‌چشمان نشسته در خیام» یکی از مواردی است که در گفتار برخی از نواندیشان به عنوان بازتاب فرهنگ سرزمین حجاز در قرآن ادعا شده است.

وی از قول یکی از نواندیشان قائل به این مدعا ادامه داد: وی تصریح کرده است که: ««محمد عرب است، لذا قرآن هم عربی می‌شود؛ وی در حجاز و در میان قبائل چادرنشین زندگی می‌کند، لذا بهشت هم چهره عربی و چادرنشینی پیدا می‌کند: «خَوْرُ مَقْصُورَاتٍ فِي الْخِيَامِ؛ زنان سیاه‌چشمی که در خیمه‌ها نشسته‌اند. همچنین در نوشتار دیگری از او آمده است: ««دیگر شگفت‌زده نمی‌شویم... اگر ببینیم... سیه‌چشمان بهشتی را در خیمه‌های عربی می‌نشانند».

برخی از نواندیشان مدعی شده‌اند که چون پیامبر(ص) مربوط به حجاز بوده، از همین رو برخی از افکار و اندیشه‌های جامعه عرب آن روزگار در قرآن راه یافته و به اصطلاح قرآن رنگ و بوی عربی به خود گرفته است

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد در پاسخ به این شبهه، آیات ناظر به لذت همسررداری بهشتیان را به صورت اجمالی مورد بررسی قرار داد و گفت: نخست باید دانست که به استناد برخی از روایات، لذت بخش‌ترین امور برای انسان‌ها لذت جنسی است و از همین روی

قرآن نیز در برشمردن لذت‌های دنیوی و شهوانی در نخستین مرحله از لذت جنسی نام برده است.

نصیری تصریح کرد: از این جهت، قرآن همواره در برشمردن نعمت‌های بهشتی از نعمت همسران بهشتی نام برده است؛ به گونه‌ای که در هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن، نامی از بهشت و نعمت‌های بهشتی برده نشده، مگر آنکه از همسران بهشتی سخن به میان آمده است. به استناد برخی از آیات و روایات بدست می‌آید که مردان بهشتی از دو نوع همسران برخوردارند.

وی در تشریح این مطلب عنوان کرد: نخستین دسته همسرانی از نوع انسان‌ها هستند که این نوع همسران می‌توانند همان همسر پیشین شخص در دنیا باشند که اینک در سایه ایمان و عمل صالح در بهشت توفیق همراهی با شوهر خود را یافته‌اند یا می‌توانند زنان مؤمن دیگری باشند که به دلیل بهشتی نبودن همسرشان یا عدم تمایل به استمرار زندگی مشترک، با فرمان الهی به همسری مردی دیگر از بهشتیان در می‌آیند.

این محقق و پژوهشگر در معرفی نوع دوم از همسران بهشتی از منظر قرآن ادامه داد: نوع دوم همسرانی از جنس بهشتیان است و قرآن با عباراتی روشن تصریح می‌کند که خداوند برای فراهم ساختن جایگاه لذت‌بخش برای بهشتیان از جنس آدمیان، دختران زیباروی و باکره را برای همسری با آنان می‌آفریند: «إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا؛ ما آنان را پدید آورده‌ایم پدیدآورده‌ای و ایشان را دوشیزه گردانیده‌ایم» (واقعه/35 - 36).

نصیری تصریح کرد: قرآن در کنار برشمردن نعمت همسران بهشتی، ویژگی‌هایی نظیر عفت و طهارت باطنی را برای آنان برشمرده است و از جمله این ویژگی‌ها زیبایی زنان بهشتی است. پیداست حس زیبایی‌پسندی و زیبایی‌دوستی انسان که او را وامی‌دارد تا در دنیا از زیباترین نواع اشیاء و کالاها برخوردار باشد، همین حس اقتضاء می‌کند که خداوند همسران بهشتی را در نهایت زیبایی چهره و اندام در نظر بگیرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران بیان کرد: قرآن از زیبایی همسران بهشتی گاه با عبارت «حسان» به معنای زیبایی یاد کرده و حسان در کنار زیبایی سیرت، ناظر بر زیبایی صورت و ظاهر نیز هست. همچنین از همسران بهشتی با عنوان «عین» یعنی فراخ‌چشم و «کواعب» به معنای نارپستان و «اتراب» یعنی هم‌سالان یاد کرده است و احتمالاً توصیف آنان به هم‌سالان «عرباً اتراباً» بیانگر کمال جسمانی همسران بهشتی است.

شبهه انعکاس باورهای اعراب جاهلی در قرآن و در پی آن شبهه ملازمت انعکاس رخدادهای عصر رسالت با قومی بودن قرآن کاملاً بی‌اساس است و آموزه‌های راستین قرآن، ربطی به عربی بودن پیامبر(ص) و سرزمین نزول وحی ندارد. وی افزود: توصیف زنان بهشتی به «حور عین» یا به «عین» در چهار آیه قرآن منعکس شده است که عبارتند از: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ(الرحمن/72)، «كَذَٰلِكَ وَرَوِّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِینَ(الدخان/54)، «وَرَوِّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِینَ(الطور/20) و «وَحُورٌ عِینَ(الواقعة/22). حور جمع «حوراء» و «أحور» به معنای زن سفیدرو یا کسی است که سفیدی چشمان آن به همان شدت سیاهی چشمان او باشد و به زنان، از آن جهت که چشمان آنان به چشم آهوان شبیه است، حور گفته شده است.

این محقق و پژوهشگر در تکمیل این مطلب گفت: خیام جمع خیمه است و خیمه را در لغت به سه معنا دانسته‌اند: نخست خانه‌ای که از پارچه ساخته شده و برای برافراشتن آن از ستون‌ها و میخ‌های مخصوص استفاده می‌شود، دوم خانه‌هایی که از چوب ساخته می‌شود و سوم هر خانه‌ای که به صورت گرد و دایره‌وار ساخته می‌شود. از سویی دیگر توصیفی که از خیام بهشتی در روایات آمده با آن چه که ما در دنیا از این واژه می‌فهمیم، تفاوت بسیار دارد؛ نظیر آن که در توصیف جنس آن گفته شده که از در، یاقوت و مرجان است و هر خیمه‌ای چهار در دارد یا گفته شده که وسعت آن چهار فرسخ و جنس آن از لؤلؤ است و چهار هزار درب دارد.

وی با اشاره به این‌که بر این اساس، «حور عین» به معنای زنان بهشتی است که از چهره سپید و چشمان زیبای سیاه برخوردارند و در خیام و خانه‌های ویژه بهشتی نگاه داشته می‌شوند، اضافه کرد: آیا این خصوصیات و تصویری که از زیبایی آن ارائه شده، مخصوص اعراب است؟! آیا پادشاهان و ثروتمندان ایران، روم، مصر، شام و... در حرم‌سراهای خود زنان زیبای سیاه‌چشم را نگاه نمی‌داشتند؟! آیا امروزه سفیدی بدن و چهره و سیاهی چشم برای زنان زیبایی تلقی نمی‌شود؟!

نصیری ادامه داد: همچنین با فرض آن‌که مقصود از خیام در آیه شریفه، همان خانه‌های معروف باشد، آیا چنان نیست شاهان و اشراف، گاه جشن‌های بزرگ و شاهانه خود را در میان خیمه‌های برافراشته برگزار می‌کردند؟! آیا در ماجرای جشن‌های دوهزاروپانصد ساله که در ایران در دوران پهلوی با تقلید از دوران کوروش کبیر برگزار شد، میهمانان و رجال سیاسی از اطراف و اکناف دنیا در خیمه‌های گران‌قیمت نگاهداری و پذیرایی نشدند؟! اگر وجود خیمه صرفاً بر عنصر عربی تأکید دارد، چگونه استفاده از آن در ایران مرسوم بوده است؟!

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد ادامه داد: آیا امروزه برخی از جشن‌های بزرگ در هوای باز و در سایه درختان و نه‌رها با برافراشتن خیمه‌ها برگزار نمی‌شود؟! حال اگر برای مثال در امریکا جشنی با این توصیف برگزار شود، باید گفته شود که شما در برافراشتن خیمه از اعراب تقلید کرده‌اید؟! آیا به آنان گفته می‌شود که اگر اعراب خیمه برپا نمی‌کردند، شما نمی‌دانستید که خیمه چیست؟!